

تعمقی در زندگی توما رسول

کلیسای مشرق زمین ، توما رسول پس از نزول روح القدس بر شاگردان فعالیت بشارتی خود را نخست در سرزمین بین النهرین ، عراق امروز ، سپس در بلاد فارس ، ایران امروز ، آغاز نمود و مژده رستاخیز مسیح را به ساکنین این مرز و بوم اعلام نمود. پس از آن راه خود را ادامه داد تا اینکه به کشور هندوستان رسید و در آنجا مدت طولانی در پخش تعالیم نجاتبخش انجیل و دعوت مردم جهت ایمان به عیسای مسیح را سپری کرد و طبق روایت کلیسا او به درجه رفیع شهادت نائل گردید و بعنوان شفیع کلیسای مشرق زمین ملقب شد. تا به امروز گروهی از مسیحیان هندوستان به مسیحیان توما رسول معروف هستند. زندگی توما رسول الگویی زنده و جذاب از ایمان رشد کرده و ثمر بخش می باشد. وقتیکه عیسای رستاخیز کرده به او گفت : "انگشت خود را به اینجا بیاور، دستهای مرا ببین ، دست خود را بر پهلوی من بگذار و دیگر بی ایمان نباش ، بلکه ایمان داشته باش ، توما گفت: ای خداوند من و ای خدای من" (انجیل یوحنا باب ۲۰ آیه ۲۷-۲۹).

با این کلمات ، توما ایمان خود را به عیسی مسیح اعلام نمود و پس از آن زندگی خود را جهت انتقال دادن نور ایمان مسیحی به ملت‌های بیگانه و بت پرست وقف کرد. این قدیس بزرگ که از جایگاهی مخصوص در آیین عبادتی کلیسای ما برخوردار می باشد ، باعث شد تا

دوستان گرامی ، امسال عید قدیس توما روز یکشنبه هفتم جولای برابر با ۱۶ تیر برگزار خواهیم کرد. طبق انجیل مقدس توما یکی از دوازده رسولان مسیح می باشد (رجوع شود به انجیل لوقا باب ۶ آیه ۱۲-۱۶). که شهادت رسولان را درباره رستاخیز مسیح قبول نکرده و اصرار داشت که حتماً باید او را شخصاً ببیند. "یکی از دوازده شاگرد یعنی توما که به معنی دوقلو است ، موقعی که عیسی آمد با آنها نبود. پس وقتی که سایر شاگردان به او گفتند : ما خداوند را دیده ایم ، او گفت : من تا جای میخها را در دستش نبینم و تا انگشت خود را در جای میخها و دستم را در پهلویش نگذارم باور نخواهم کرد" (انجیل یوحنا باب ۲۰ آیه ۲۴-۲۵).

اصرار توما بر دیدن عیسای زنده ما را به معنی و مفهوم ایمان هدایت می نماید. بعضی ها به توما لقب شکاک دادند چون گفته های دیگر رسولان که عیسی را زنده دیده بودند باور نکرد. لیکن میشود گفت که از دیدگاه توما ایمان واقعی و پر بار ثمره ملاقات شخصی با عیسی مسیح می باشد و چنانکه این ملاقات انجام نگیرد ایمان ریشه دار و پایدار نخواهد بود. ملاقات عیسی به معنی داشتن یک تجربه عمیق و تأثیر گذار است که زندگی انسان را دگرگون می سازد. ایمان زنده سرچشمه عشق به مسیح و شهادت دادن به او می باشد. بر حسب تعالیم

عیسی مسیح به ما ، که او را با چشم جسمانی ندیده ایم ، این مژده را اعلام نماید : "خوشابحال کسانیکه مرا ندیده اند و ایمان می آورند" (انجیل یوحنا باب ۲۰ آیه ۲۹) . یعنی کسانیکه ایمان خود را از شهادت رسولان و پیروانشان دریافت کردند.

دوستان عزیز ، برگزاری عید توما رسول ، فرصتی است بسیار مناسب تا اینکه یک آگاهی عمیقتر نسبت به هویت و اصالت مسیحی بودن ما بدست آوریم . با کمال فروتنی و صداقت باید اقرار کنیم که زندگی ایمانی ما ، متأسفانه ، خیلی ضعیف و کم رنگ است و قدرت جذابیت و هدایت مردم بسوی عیسی مسیح ، نجات دهنده عالم را ندارد. قدیس توما ، رسول کلیسای شرق و بنیان گذار کلیسای مسیح در کشور هندوستان ، به ما مسیحیان امروز می گوید : همان روح القدسی که روز پنطیکاست بر من نازل شد و به من قدرت بخشید تا اینکه فیض شهادت را در راه بشارت دادن به مسیح زنده دریافت نمایم به شما نیز داده شده است . قدرت یک ایماندار مسیحی از خودش نیست ، بلکه از عیسی مسیح که فرمود : "وقتی پشتیبان شما که او را از جانب پدر نزد شما می فرستم بیاید یعنی روح راستی (روح القدس) که از پدر صادر میگردد ، او درباره من شهادت خواهد داد و شما نیز شاهدان من خواهید بود زیرا از ابتدا با من بوده اید" (انجیل یوحنا باب ۱۵ آیه ۲۶-۲۷) .

گاهی فراموش می کنیم که از چنین قدرتی شگفت انگیز و بی نظیر برخورداریم و زندگی ما هیچ گونه نشانه را از حضور روح القدس در ما منعکس نمی کند. توما رسول ما را از گنجی که در ما نهفته است آگاه می سازد و ما را دعوت می کند تا این گنج گرانبها را مورد استفاده قرار داده تا اینکه آنرا از دست ندهیم . گنج روح القدس امانتی است نزد ما ، باید آنرا در راه خدمت به هموعان خود قرار دهیم تا اینکه رسولان و شاهدان مسیح باشیم . زندگی ما

مسیحیان به ما متعلق نیست بلکه عطیه ای است از خدا تا اینکه آنرا جهت پخش مژده انجیل و نور مسیح را در جهان بکار ببریم . "شما نور جهان هستید ... نور شما باید در برابر مردم بتابد و کارهای نیک شما را ببینند و پدر آسمانی شما را ستایش نمایند" (انجیل متی باب ۵ آیه ۱۴ و ۱۶) .

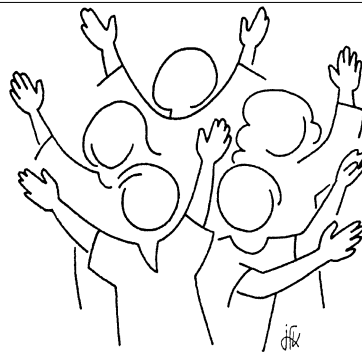
توما رسول چراغی گردید که نور مسیح و فیض ایمان را به ملت‌های گوناگون رسانید و در این راه مقدس زندگی خود را قربانی کرد. خدا را برای این چهره منور و زیبا شکر و سپاس گوئیم . جشن گرفتن اعیاد مقدسین و شهادی کلیسای مقدس باید ما را تشویق کند تا اینکه مانند آنها به روح القدس اجازه دهیم تا غیرت رسولی و عشق الهی را در قلب ما هر چه بیشتر افزایش دهد و بتوانیم با کمال اطمینان و شجاعت ادامه دهندگان راه آنها باشیم .

عید توما رسول بشارت دهنده کشورهای مشرق زمین را بر همه شما عزیزان مخصوصاً به آنانیکه بنام مبارک او نامیده می شوند مبارک باد .

خدمتگزار شما

رمزی گرمو

اسقف خلیفه گری آشوری کلدانی کاتولیک تهران



پطرس برآه می افتد

پطرس فهمید که مژده خدا برای همه ملتها است و برای خدا همه انسانها یکی هستند. خدا کسانی را که دوستش دارند و می خواهند از او پیروی کنند، می پذیرد. بنابراین پطرس به خانه این رومی بنام کُرنلیوس می رود.

یک رومی ایماندار

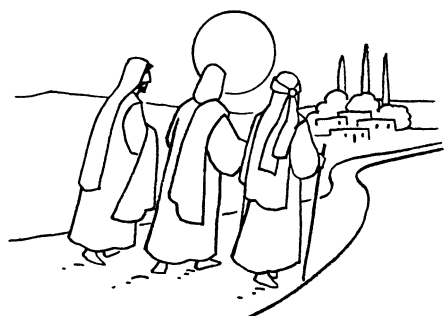
کرنلیوس یک افسر ارتش روم است که در سرزمین اسرائیل مستقر می باشد. او به همراه خانواده اش در بندر قیصریه زندگی می کند. او همیشه بدرگاه خدای حقیقی دعا می کند و مرد عادل است. او درباره عیسی مسیح شنیده است و اکنون می خواهد بیشتر بداند.

غیر یهود هم روح القدس می پذیرند

کرنلیوس خانواده و بهترین دوستانش را برای ملاقات با پطرس رسول جمع می کند. ایشان از این ملاقات بسیار شاد بودند. آنان با نهایت دقت به سخنان پطرس گوش دادند و پطرس با تعجب بسیار شاهد نزول روح القدس بر ایشان شد.

در سراسر جهان

رسولان فهمیدند که مژده عیسی مسیح باید به سراسر جهان برده شود. پولس رسول دریا و خشکی را زیرپا می گذارد تا درباره عیسی مسیح با مردم صحبت کند.



یک مأموریت مخصوص برای رسولان

عیسی رستاخیز کرده به دوستانش گفت:

"شما شاهدان من خواهید بود تا دورترین نقاط دنیا" بنابراین رسولان به جاده های مختلف رفتند تا خبر رستاخیز عیسی از مرگ را به همگان برسانند.

همه چیز از اورشلیم شروع شد

در روز پنطکاست دوستان عیسی نیروی تازه ای یافتند. نیرویی که به ایشان قدرت اعلام مژده عیسی مسیح را به سراسر اورشلیم داد. نام این نیرو روح القدس است.

در آن روز پطرس رسول به مردم در اورشلیم گفت: همین عیسی که شما او را به صلیب زدید و کشتید، خدا او را از میان مردگان برخیزانید! ما شاهدان این واقعه هستیم. اکنون به عیسی ایمان بیاورید تا زندگیتان کاملاً عوض شود. خودتان را به هدایت روح القدس بسپارید.

اولین گروه مسیحیان

بسیاری از مردمی که حرفهای پطرس رسول را شنیده، از او تمعید خواستند و پیروان مسیح شدند. اینچنین کلیسای اولیه زندگی اش را آغاز کرد. مسیحیان هر روز به معبد اورشلیم می رفتند. تا با هم دعا کنند و بعد با هم نان را تقسیم می کردند و به سخنان رسولان راجع به عیسی گوش می دادند.

کمی بعد از اینکه به عیسی ایمان آورد به شهر انطاکیه سوریه رفت تا در آنجا به ایمانش شهادت دهد. در همین شهر بود که برای اولین بار پیروان عیسی را مسیحی خواندند؛ مسیحی یعنی آنکه مال مسیح است.

پولس همیشه ب فکر شهرهایی بود که با بشارت او مسیحی شده بودند و ارتباطش را با ایشان از طریق نامه نگاری نگه می داشت تا در ایمان تقویتشان نماید. این نامه های پولس را می توانید در کتاب عهد جدید و بعد از چهار انجیل بیابید.

پولس به همه جا می رود

وقتی پولس به عیسی مسیح ایمان آورد ، تنها آرزویش این بود که عیسی را به همه مردمان بشناساند. پولس به همراه دوستانش برنابا ، سیلاس و لوقا خشکی و دریا را زیر پا گذاشت. او در بنادر ، شهرها و حتی دهات توقف می کرد و از عیسی می گفت. او به همه می گفت که عیسی از مرگ برخاسته! پولس بیش از بیست سال بخاطر مسیح مسافرت کرد.



قانون صداقت

خوشبختی زمانی به سراغ ما می آید که تصمیم بگیریم هماهنگ با والاترین ارزش ها و عمیق ترین اعتقادات خود زندگی کنیم. همواره باید با آن بهترین بهترین ها که در درون مان وجود دارد صادق باشیم.

قانون انعطاف پذیری

در تعیین اهداف خود قاطعیت داشته باشید ، اما در مورد روش دستیابی به آن ها انعطاف پذیر باشید. در عصر تحولات سریع و رقابت شدید ، انعطاف پذیری از ضروریات است.

قانون خوشبختی

کیفیت زندگی ما را ، احساسمان در هر لحظه تعیین می کند و احساس ما را ، تفسیر خودمان از وقایع پیرامونمان مشخص می سازد، نه خود وقایع. هرگز برای این که تجربه خوشی از دوران کودکی داشته باشید دیر نیست. کافی است گذشته را مرور کنید و روشی را که برای تفسیر تجربیات خود داشته اید تغییر دهید.

بدنیال حقیقت

نمی توانستم باور کنم آنچه را که به چشم می دیدم! اسم مغازه این بود: "مغازه حقیقت"! یعنی واقعاً آنجا حقیقت می فروختند؟ رفتم توی مغازه، خانم فروشنده خیلی مودب پرسید: چه نوع حقیقت می خواهید: کامل یا نسبی؟! گفتم: کامل البته!

می خواستم "حقیقت من" خالص باشد بدون از جعلی بودن، دلیل تراشی، دفاع از خود... خانم فروشنده آنطرف دیگر مغازه را نشان داد. رفتم آنجا و یک آقای محترم آمد و با نگاهی پر عطفوت به من گفت: قیمت "حقیقت کامل" خیلی بالاست!

من می خواستم به هر قیمتی که شده بدستش بیاورم. گفتم: چنده!

گفت: به قیمت از دست دادن آسایش در سراسر زندگیت!

خیلی ناراحت از مغازه بیرون رفتم. فکر می کردم بتوانم با قیمت مناسب تری بدستش آورم.

اما معلوم شد که هنوز برایش آمادگی لازم را ندارم. من خیلی مشتاق بودم اما نه آنقدر که بتوانم براستی با خودم همانطور که هستم روبرو شوم! هنوز نیاز به دلیل تراشی و تبرئه خود و خودستایی ... داشتم.

ریشه در حقیقت یافتن (دواندن)

چرا بعضی چیزها را انتخاب می کنیم و بعضی را رد می کنیم؟

آیا در ارتباط با دیگران زیبایی باهم بودن را شناخته ایم و یا دلایل دیگری داریم؟

ارتباط ما با خلقت در چه سطحی است؟ آیا ارتباط با خالق را آسان تر می سازد؟

آیا ارتباط با اطرافیان "مرا" با خود آشنا تر می سازد؟

آیا این ارتباطات و پی بردن به حقیقت درونم مرا عمیق تر متوجه حضور خدا در زندگی ام می سازد؟

تفکر درباره این سئوالات و طی این مسیر شما را به مفهوم زندگیتان نزدیک تر می نماید.

زندگی را بیش از منطق و پویش واقعیاتش دوست داشته باش، آنوقت بیشتر به معنی آن پی خواهی برد و پس ظواهر را

خواهی دید با این کارت نگاه های تازه ای به زمین خواهی آفرید.

در انجیل با متن عجیبی درباره جستجوی حقیقت روبرو می شویم!

وقتی عیسی را پس از شکنجه به حضور پیلطس می برند، این فرماندار رومی حیران از چگونگی استقبال مردم از عیسی و بعد تقاضای همان مردم برای اعدام عیسی، نهایتاً از عیسی می پرسد: حقیقت چیست؟

حقیقت را باید جست

حقیقت قیمت بالایی دارد باید آن را با تلاش و زحمت و در اعماق درون خویشتن جست.

در ما دو نیرو دائماً در حال مبارزه باهمند: ۱- نیروی تمرکز در خود ۲- نیروی فرار از خود

اولین ما را به خانه قلب می برد و در عمق سکوت نشنیدنیها را از درون خودمان برای ما تعریف می کند و ما را یواش یواش از "حقیقت خویشتن" مطلع می سازد.

و اما دومی همیشه ما را متوجه دنیای اطرافمان می سازد و به هزار و یک دلیل ما را از توجه به درونمان پراکنده می سازد. شخص بشدت یک احساس دروغین خودکفا بودن دارد. و اما معمولاً این احساس توجه بدنای بیرون از

خودمان، در ما قویتر است. چون آسانتر و خوشتر است و از زحمت و سختی مواجه شدن با خودمان خلاصمان می کند. "این ترس از روبرو شدن با خودمان و فرار از عیوبمان"، خاصیت مردمان این عصر است. نه اینکه انسانهای قبلی دچارش نبوده اند، فقط امروزه در سطح وسیع بشدت آن رسیده ایم. انسان امروز فرار، غریبه با خویشتن و بنابراین بسیار سطحی است. در کلام خدا شخصیتهایی داریم که از مواجه شدن با حقیقت و قبول آن می ترسیدند و بهمین دلیل دست به فرار زدند. منجمله: یونس نبی، ایلیا، یهودا اسخریوطی ... و نقطه مقابل ایشان یعنی آنانی که بالاخره به هر طریقی که شده سعی کردن حقیقت را دریابند و با آن مواجه شوند اینان بودند: ایوب، نویسنده کتاب جامعه، ارمیا، هوشع، پطرس رسول، پولوس رسول و مریم مجدلیه ... آری اینان کسانی هستند که بدرون خود نگر بستند و سعی کردند خود را با "حقیقت" که آن را از خداوند یافته بودند تفتیش کنند و با وجود همه سختی ها و تلخی هایش منطبق سازند حتی هنگامی که نتوانستند اشکهایشان را پنهان نمایند.

قانون بخشندگی

هرچه بیشتر، بدون انتظار پاداش به دیگران خدمت کنید خیر و نیکی بیشتری به شما می رسد، آن هم از جاهایی که اصلاً انتظار ندارید. شما تنها در صورتی حقیقتاً خوشبخت خواهید شد که احساس کنید به دلیل خدمت به دیگران انسان با ارزشی هستید.

قانون خلاقیت

ذهن ما می تواند به هر چیزی که باور داشته باشد دست یابد. هر نوع پیشرفتی در زندگی با یک ایده آغاز می شود و چون توانایی ما در خلق ایده های جدید نامحدود است آینده نیز محدودیتی نخواهد داشت.

قانون استقامت

معیار ایمان به خود، توانایی استقامت در برابر سختی ها، شکست ها و ناامیدی هاست. استقامت ویژگی اساسی موفقیت است. اگر به اندازه کافی استقامت کنیم، طبیعتاً سرانجام موفق خواهیم شد.

معلم و دانش آموزان

معلم یک کودکستان به بچه های کلاس گفت که می خواهد با آنها بازی کند. او به آنها گفت که فردا هر کدام یک کیسه پلاستیکی بردارند و درون آن به تعداد آدمهایی که از آنها بدشان می آید، سیب زمینی بریزند و با خود به کودکستان بیاورند.

فردا بچه ها با کیسه های پلاستیکی به کودکستان آمدند. در کیسه بعضی ها ۲، بعضی ها ۳، و بعضی ها ۵ سیب زمینی بود.

معلم به بچه ها گفت: تا یک هفته هر کجا که می روند کیسه پلاستیکی را با خود ببرند. روزها به همین ترتیب گذشت و کم کم بچه ها شروع کردند به شکایت از بوی سیب زمینی ها گندیده. به علاوه، آن هایی که سیب زمینی بیشتری داشتند از حمل آن بار سنگین خسته شده بودند. پس از گذشت یک هفته بازی بالاخره تمام شد و بچه ها راحت شدند.

معلم از بچه ها پرسید: از اینکه یک هفته سیب زمینی ها را با خود حمل می کردید چه احساسی داشتید؟ بچه ها از اینکه مجبور بودند، سیب زمینی های بدبو و سنگین را همه جا با خود حمل کنند شکایت داشتند.

آنگاه معلم منظور اصلی خود را از این بازی، این چنین توضیح داد:

این درست شبیه وضعیتی است که شما کینه آدم هایی که دوستشان ندارید را در دل خود نگاه می دارید و همه جا با خود می برید. بروی بد کینه و نفرت، قلب شما را فاسد می کند و شما آن را به همه جا همراه خود حمل می کنید. حالا که شما بوی بد سیب زمینی ها را فقط برای یک هفته نتوانستید تحمل کنید.

پس چطور می خواهید بوی بد نفرت را برای تمام عمر در دل خود تحمل کنید؟

جمله های کوچک، درس های بزرگ

* در پشت هیچ در بسته ای ننشینید تا شاید روزی باز شود، درهای دیگری جست و جو کنید و اگر نیافتید، همان در را بشکنید!

* آرزو نکن چیزی به غیر از آن چه هستی باشی، تلاش کن بهترین آن چه هستی باشی!

* همیشه پاسخ زیبا برای کسی است که پرسش زیباتری بکند.

* کسانی بیش تر موفق شده اند که کم تر تعریف شده اند.

* گاهی ارزش یک سؤال، بیش تر از پاسخ آن است.

* به یاد داشته باش که امروز، طلوع دیگری ندارد!

اخبار و تقویم کلیسایی

- یکشنبه ۱۶ تیر ۹۸ = ۷ جولای ۲۰۱۹، یکشنبه پنجم رسولان و عید تومای رسول.

عهد عتیق: اشعیا نبی فصل ۱ آیه ۲۱-۳۱

رساله: اول قرنتیان فصل ۱۴ آیه ۱-۹

انجیل: لوقا فصل ۱۲ آیه ۱۶-۳۴

- یکشنبه ۲۳ تیر ۹۸ = ۱۴ جولای ۲۰۱۹، یکشنبه ششم رسولان.

عهد عتیق: اشعیا نبی فصل ۲ آیه ۱-۱۹

رساله: اول قرنتیان فصل ۱ آیه ۱۴-۳۲

انجیل: لوقا فصل ۱۲ آیه ۵۷ الی فصل ۱۳ آیه ۱۷

- یکشنبه ۳۰ تیر ۹۸ = ۲۱ جولای ۲۰۱۹، یکشنبه هفتم رسولان.

عهد عتیق: اشعیا نبی فصل ۵ آیه ۸-۲۵

رساله: اول قرنتیان فصل ۱۵ آیه ۵۸ الی فصل ۱۶ آیه ۲۳

انجیل: لوقا فصل ۱۳ آیه ۲۲ الی آخر باب

- یکشنبه ۶ مرداد ۹۸ = ۲۸ جولای ۲۰۱۹، یکشنبه اول تابستان و عید نوسردل.

اعمال رسولان فصل ۵ آیه ۱۲-۳۲

رساله: اول قرنتیان فصل ۴ آیه ۹-۱۶ و دوم قرنتیان فصل ۱ آیه ۸-۱۴

انجیل: لوقا فصل ۱۴ آیه ۱-۱۴

قانون تعجیل

ما همواره دوست داریم که هر چه زودتر به آرزوهایمان برسیم ، به همین دلیل است که در تمام

عرصه های زندگی بی قراریم.

قانون فرصت

بهترین فرصت ها اغلب در معمولی ترین موقعیت های زندگی مان به وجود می آید. پس بزرگترین

فرصت ها به احتمال زیاد همیشه در دسترس ماست.

قانون خود شکوفائی

شما می توانید هرچه را که برای رسیدن به اهداف تعیین شده خود به آن نیاز دارید بیاموزید. آن هایی که

می آموزند توانا هستند.